اولین پایه سبک زندگی اسلامی چیست؟

بزرگترین بحران در زندگی ما کدام است؟

هر کسی که می‌خواهد از دنیای خود به‌خوبی استفاده کند و این دنیا را معبر خوبی برای آخرت خود قرار دهد، سبکی و مدلی بهتر از سبک زندگی دینی پیدا نمی کند، چرا که خالق دین و دنیا یکی است. آن کسی که دین را خلق کرده، دنیا را هم خلق کرده است.(برگرفته ازمصاحبه با استاد ماندگاری)

درمقوله سبک زندگی، اگر ما معتقدیم دارای سبک زندگی ای هستیم، که بر سبک زندگی ملل دیگر، به خصوص سبک زندگی غربیان برتری دارد، چرا از نظر پیشرفت های ظاهری از آنها عقب‌تر هستیم؟

حکایت ما حکایت آن آیه قرآن است که می فرماید: «**نومن ببعض و نکفر ببعض**». و به قول حکایت های فارسی، از اینجا رانده و از آنجا مانده‌ایم. نه رومی روم بودیم و نه زنگی زنگ.

علت پیدایش این مشکل این است که ترکیبی و مخلوطی شدیم از سبک زندگی غربی و سبک زندگی اسلامی.

نمازهای مان اسلامی است، مسجد می رویم، خمس می دهیم و زکات می دهیم، اما عروسی های مان اسلامی نیست، بازار و اقتصادمان اسلامی نیست. در نتیجه نه بهره سبک زندگی غربی را می بریم، چرا که مسلمانیم، و نه بهره سبک زندگی اسلامی را؛ چرا که مقلدِ غرب هستیم.

ما باید خودمان باشیم.

حتی اعتقاد دارم با سبک زندگی اسلامی، ان‌شاءالله می توانیم در صورت عملکرد صحیح، بهترین الگوی سبک زندگی برای اروپائیان و آمریکا و غرب باشیم. آنهایی که اهل دقت و فهم هستند می گویند این زندگی زندگی زیباتری هست، چرا که سبک زندگی اسلامی ضمن اینکه به آسایش فکر می کند، (*تاکید می کنم که سبک زندگی اسلامی به آسایش هم نظر دارد*) ولی **آرامش** از **آسایش** برایش مهم تر است. برای سبک زندگی غربی، آسایش از آرامش مهم تر است. لذا بحران اصلی آنها بحران آرامش است و بحران معنویت. الحمدالله رب العالمین آرامش ما خیلی بهتر از آنهاست.

ضرورت مقید بودن به سبک زندگی اسلامی در چیست؟

ببینید، هر کسی که می خواهد از دنیای خود به خوبی استفاده کند، و این دنیا را معبر خوبی برای آخرت خود قرار دهد، سبکی و مدلی بهتر از سبک زندگی دینی پیدا نمی کند، چرا که خالق دین و دنیا یکی است. آن کسی که دین را خلق کرده است دنیا را هم خلق کرده است. پس او از آنجایی که بهترین شناخت را نسبت به دین و دنیا دارد، سبک زندگی ای به عنوان بهترین آموزه و برنامه استفاده از دنیا برای آخرت قرار داده است "**ان الدین عندالله الاسلام**" .

در سبک زندگی اسلامی استفاده از تکنوژی های روز، فناوری های پیشرفته چه جایگاهی دارد؟

وقتی صحبت از سبک زندگی می شود، برخی قالب زندگی را در نظر می گیرند و طبیعتا زمانی که قالب زندگی را در نظر می گیرند، با خود می گویند محیط زندگی ما با محیط زندگی اهل بیت (ع) هم فاصله مکانی دارد، هم فاصله زمانی دارد و هم فاصله جغرافیایی دارد، لذا ما نمی توانیم از سبک زندگی اهل بیت (ع) پیروی کنیم. و از این طرف ادامه اشتباه در نظر و نگاه این است که میان برخی از مردم این دیدگاه وجود دارد که سبک زندگی غربیان، سبک زندگی ای است که می تواند الگو باشد، در صورتی که نگاه آنها به **قالب زندگی** است.

می گویند غربیان از امکانات دنیوی، بهترین استفاده را می برند و بهترین لذت ها و آسایش ها را هم دارند، و از آنجایی که از لحاظ شرایط زمان و مکان به ما نزدیک تر هستند، (اینکه می گوئیم از نظر مکان نزدیک هستند، با توجه به این است که با وجود پیشرفتها در عرصه ارتباطات فاصله ها نزدیکتر شده است) می توانیم سبک زندگی آنها را ببینیم، پس می رویم سراغ سبک زندگی غربی و اروپایی.

این نقطه اساسی، اشتباهی است که در تعریف و توضیح سبک زندگی وجود دارد. لذا مردم ما به یک بحران مبتلا می شوند که به اعتقاد بنده بزرگترین بحران زندگی ما این است. در این بحران مردم ضمن اینکه دین، معصومین(ع)، قرآن و اهل‌بیت(ع) را دوست دارند، حس می‌کنند نمی‌توانند و نمی‌شود به سبک زندگی آنها زندگی کرد. از آن طرف این احتمال را می‌دهند که به سبک زندگی غربی زندگی کردن آنها را از اهل‌بیت(ع) دور می‌کند. این اصل اول است.

برای برون رفت از این مشکل که مردم در انتخاب سبک زندگی شان دچار بحران نشوند باید چه کرد؟

می بایست معنای سبک زندگی را درست تبیین کرد. سبک زندگی فقط قالب زندگی نیست. ***سبک زندگی قالب و محتواست. روح و جسم زندگی است. ظاهر و باطن زندگی است***. سبک زندگی عبارت است از:

اولا نگاه به زندگی و عالم هستی(یعنی افکار و عقاید)

ثانیا احساس نسبت به زندگی که همان حب و بغض ماست نسبت به افراد نسبت به افعال و نسبت به اشیاء.

ثالثا سبک زندگی یعنی برنامه ها و روش ها و رفتارهای ما.

مجموعه اینها را می گوئیم سبک زندگی.

نگاه، ناشی از افکار و باورهاست، و حب و بغض ها، ناشی از احساسات و علاقه هاست،

و برنامه ها و روشها و رفتارهای زندگی.

اگر این را به عنوان تعریف سبک زندگی در نظر بگیریم، در این صورت امام زمان (عج) به‌روز ترین بشر می‌باشند. عمر مبارک شان حدود 1200 سال است، یعنی از زمان معصومین بوده اند تا به امروز، همه تحولات را دیده اند، همه پیشرفت ها را دیده اند، ولی همین شخصیت والا مقام که به‌روز ترین و عالم ترین افراد بشر است، حرف روزشان این است که "**وَ لِی فی رسول‌الله اسوة حسنة**" **الگوی من (امام زمان عج)** که هم به‌روزترین انسان هستم، و هم منجی عالم بشریت هستم که قرار است دنیا را به اذن الهی نجات بدهم، رسول الله(ص) است.

الگوی من مادرم فاطمه زهرا(س) است و از آن طرف در آیات قرآن است که "**لکم فی رسول الله اسوة حسنة**".

خدایی که خالق دیروز و امروز و فرداست، و یعنی هنوز پیشرفت‌هایی را که نیامده است خبر دارد، با این حال می فرماید الگوی سبک زندگی شما باید پیغمبران و به ویژه پیغمبر خاتم باشد.

خدا می فرماید باید الگوی زندگی شما قرآن و عترت باشد.

معلوم می شود خدای تبارک تعالی، نیز معنایی که از سبک زندگی در نظر گرفته است، معنای پروردگار عالمیان از تعریف سبک زندگی، معنای قالبی سبک زندگی نیست، چرا که اهل بیت در بحث قالب زندگی، ما را مامور کرده‌اند که فرزند زمان خود باشیم، نگرانی در میان مردم است با این تذکر اهل‌بیت که فرزند زمان خود باشید بر طرف می شود.

اهل بیت فرموده اند فرزند زمان خود باشیم؟ لطفا بیشتر توضیح دهید

ببینید، اگر در زمان پیغمبر اکرم(ص)، اهل‌بیت(ع) برای مسافرت کردن، سوار بر اسب و شتر می شدند که قالب مسافرتها در آن زمان اینگونه بود، امروز دیگر توصیه نمی شود که برای مسافرت از اسب و شتر استفاده کنید؛ چرا که مسافرت قالبی دارد، که در آن روز اسب و شتر بود و بعد تبدیل شد به ماشین و امروز هم هواپیماست. می گویند **فرزند زمان خودتان باشید**، یعنی از پیشرفت های زمان خود، تکنولوژی، صنعتی علمی حتما استفاده کنید اما روح زندگی تان روح فاطمی باشد.

پس نتیجه اینکه، در عرصه قالبهای زندگی (صنعتی، علمی، تکنولوژی های روز و ...) فرزند زمان خود باشیم، ولی روح زندگی‌مان همان روح فاطمی(س) و اهل‌بیتی(ع) باید باشد، تعریفی که از روح زندگی می توان داشت چیست؟

نگاه، جهان بینی، دیدگاه ما و فکرمان به عالم هستی و به موضوعات زندگی مان است که باید فکر فاطمی باشد، فکر توحیدی باشد.

فکر توحیدی باشد یعنی چه؟ یعنی نه مادی باشیم نه التقاطی.

نگاه امروز سبک زندگی غربی نگاه اومانیستی است. آنها به زندگی نگاه الحادی دارند، نگاه بی خدایی و خداگریزی دارند.

سبک زندگی فاطمی داشته باشیم بدین معناست که شما بیایید در همه مقوله های زندگی تان نگاه تان را توحیدی کنید.

اقتصاد بی خدا می شود یا اقتصادی کمونیستی، یا اقتصاد سرمایه داری، که هر دو اینها رفت و به زباله‌دان تاریخ پیوست. سیاست بی خدا می شود سیاست پدر سوخته بازی و دو دوزه بازی. این سیاست، یا استبداد است، یا لیبرالیسم و پلورایسم و اباحی گری که همه اینها دارند به بن بست می خورند.

نگاه تان به اقتصاد می بایست نگاه الهی باشد. لذا از همه ابزاری که دارید استفاده کنید. نگاه تان در سیاست باید نگاه الهی باشد، حکومت الهی و اقتصاد توحیدی باشد. نگاه تان در فرهنگ اباحی گری نباشد. فرهنگ توحیدی و دینی داشته باشید. نگاه تان در معماری، نگاه در مدیریت، در اشتغال، در تحصیل و در تمام امور روزمره، فکر، باور و نگاه تان توحیدی باشد. این یعنی سبک زندگی فاطمی.

اگر خدا و قیامت را از نگاه و فکرمان حذف کردیم، لذا "إتقوا الله"هایی که قرآن می گوید را هم عمل نکردیم، که اولین "إتقوا" های قرآن راجع به افکارمان هست، که می فرماید اتقوا الله، بدین معنا که در افکار مواظب خداوند هم باش و افکارت را الهی کن. خدا دیده نمی شود ولی تو باید در افکار خودت مراقب باشی. یا می فرماید "**اتقوا یوما لا تجزی نفس عن نفس و لا تجزی شی عن شی**" با چشم قیامت دیده نمی‌شود ولی باید در باورمان قیامت را ببینیم.

لینک کوتاه https://www.abfa-lorestan.ir/node/152